

توصیفی مقابله‌ای از آواهای گویش خزلی از زبان کردی و گونه رسمی فارسی معیار^۱

طیبه خوشبخت^۲

چکیده

پژوهش حاضر، هر چند مختصر، به توصیفی مقابله‌ای از آواهای کردی خزلی در مقایسه با فارسی رسمی معیار می‌پردازد (موارد اشتراک که در مطالعات مربوط به گونه فارسی به خوبی به آنها پرداخته شده، منظور نشده‌اند^۳).

نظر به این که معرفی آواها در قالب آوانویسی تفصیلی مجالی بیشتر می‌طلبد، نتایج بدست آمده در این پژوهش، در قالب آوانویسی کلی ارائه شده است (با این حال، پاره گفتارها به صورت تفصیلی آوانویسی شده اند).

این گونه پژوهش‌ها، ضمن ارائه داده‌هایی از گونه‌های زبانی ایرانی جهت مطالعه زبان‌شناسان، با بررسی و تحلیل تفاوت‌های گفتاری می‌تواند گویشوران بومی را در یادگیری بهتر سایر گونه‌های زبانی، از جمله فارسی، یاری دهد.

واژه‌های کلیدی: ۱- زبان کردی، ۲- گویش خزلی، ۳- فارسی معیار، ۴- همخوان

انفجاری، ۵- دندانی لثوی، ۶- انفجاری ملازی

۱- زبان فارسی‌ای که در آموزش و پرورش، رسانه‌ها، ادارات و در امور مکاتباتی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

۲- کارشناس ارشد زبان‌شناسی، دانشگاه پیام نور

۳- برای مثال توصیف کامل آواهای فارسی را ثمره (۱۳۶۴) ارائه کرده است.

ادبیات غنی و گرانبه‌های جوامع کرد، نشان از اصالت و غنای فرهنگی این اقوام دارد. زندگی اقوام کرد و دیرینه تاریخی آن، گنجینه بکر و نابی است که از حیث مواجهه با کنکاش‌های علمی، فقیرمانده است.

کردهای خزل، نیز، همواره، از این فقر مستثنی نبوده‌اند.

گونه زبانی خزلی، با آن که ویژگی‌های منحصر به فردی را داراست که در نوع خود بسیار شگفت‌انگیز و زیبايند، اما، پیوسته، مورد بی‌توجهی و بی‌مهری قرار گرفته است.

اندک مطالعاتی که در زمینه گونه زبانی کردی خزلی صورت گرفته است، درمقابل دریای بیکران ظرایف آن، بسیار ناچیز است.

« منطقه‌ای که ایل خزل استان ایلام در آن زندگی می‌کند در شمال و شمال غربی شهر ایلام واقع گردیده [است]. این منطقه که شامل آسمان‌آباد، شهر سرابله، زنجیره علیا و سفلی، دهستان کارزان و خضروند می‌باشد از شمال به کوه‌های قلاج، پویان و خرمة و از مغرب به محدوده ایل کلهر و گردنه چهارمله و از جنوب به کوه‌های بانکول مانشت وقلارنگ و از مشرق به دهستان‌های چرداول و زنگوان محدود گردیده [است]. ... در حال حاضر ایل خزل به علت رونق کار کشاورزی و مشاغل دیگر تقریباً تخته قاپو شده و یکجانشینی را اختیار نموده و ساختمان‌های مسکونی بنا کرده‌اند و نسبت به گذشته تعداد کمی از اهالی به کار دامپروری اشتغال دارند که در فصل سرما به منطقه قشلاق کوچ می‌کنند » (محمدی، ۱۳۷۵: ۲۱).

منطقه خزل، دارای آب و هوایی کوهستانی، خاکی حاصلخیز و پوششی از گیاهان طبیعی است و زمستان‌هایی سرد و برفی و تابستان‌هایی معتدل تا نسبتاً گرم دارد.

دهستان کارزان، که محدوده جغرافیایی انتخاب شده در پژوهش حاضر است، شامل روستاهای سراب کارزان، چشمه خزان، قنات آباد، چشمه پهن، چشمه رشید، جوب دراز و میرزاییگی، کله جوب، کلی کلی، علی آباد (علیا، وسطی و سفلی) است که، البته، ساکنان علی آباد و چشمه چاهی از ایل خزل نیستند.

۲- کلیاتی درباره زبان کردی و کردی خزلی

«آنچه تحت عنوان "زبان کردی" از آن نام برده می‌شود در واقع گویش‌های مختلفی است که گاه اختلاف آنها بدان حد است که سخن همدیگر را در نمی‌یابند. اما اگر در ساختار و ریشه مورد ارزیابی قرار گیرند مشخص می‌شود که همه دارای اساسی واحد می‌باشند و نیز از حیث اشتراک فرهنگی دارای پیوستگی‌های بسیاری هستند. شاید این همه اختلاف به دلیل جدایی و دوری از هم، و زیستن در مناطق مختلف جغرافیایی و همسایگی با اقوام مختلف باشد که در شکل‌گیری گویش‌ها بی‌تاثیر نبوده است.» (سارایی، ۱۳۷۹: ۳۴-۳۵).

برخی بر این باورند که لغات و اصطلاحات متداول در بین کردزبانان، ریشه در زبان‌های باستانی ایران چون اوستایی و پهلوی دارد (افشار سیستانی، ۱۳۷۲: ۴۰۵)، با این حال، عده‌ای از زبان‌شناسان زبان کردی را از شاخه زبان ایرانی نو میدانند.

نظریه‌ای که «کردها را آریایی و از اعقاب مادی‌ها می‌داند بنا به دلایل زبانی و تاریخی، قطعی و مسلم به نظر می‌رسد. مینورسکی زبان کردی را متعلق به گروه زبان‌های ایرانی شمال غربی می‌داند و معتقد است این زبان در اصل ومبداء، زبان گروه عظیمی مجتمع در یک محل بوده و ویژگی‌های کلی پیش از این که کردها بسط و توسعه پیدا کنند و پیش از پراکنده شدنشان در کوه‌ها شکل گرفته است. او تصور این نکته را که پیدایش لهجه‌های شمال غربی رایج در قلمرو ایران بدون دخالت و شرکت عامل "مادی" صورت گرفته باشد، محال می‌داند و نتیجه‌گیری می‌کند که با توجه به ملاحظات تاریخی و جغرافیایی باید پذیرفت که بسط و توسعه کردها فقط از سرزمین ماد کوچک که همان آتروپاتکان یا آذربایجان امروزی است، صورت گرفته است.» (سارایی، ۱۳۷۹: صص ۳۰-۳۱، به نقل از کرد و کردستان، واسیلی نیکتین، ص ۴۷) اشتراک و نزدیکی زبانی و قومی میان گونه‌های زبانی گویشوران کرد و لر، گاه به پاره‌ای

قضایات‌های نادرست می‌انجامد، به گونه‌ای که برخی در تقسیم‌بندی گونه‌های کردی ایلام، آن را لری می‌دانند.^۱

یکی از شاخه‌های زبان کردی که شناخت آن، مطالعات عمیق زبانشناختی را می‌طلبد، گویش « فیلی » است . پالیزبان (۱۳۸۱ : صص ۹-۱۶)، گونه‌های مختلف کردی فیلی در استان ایلام را به شرح ذیل طبقه‌بندی می‌کند:

- ۱- ملکشاهی : در شهرستان‌های ایلام و مهران
- ۲- خزلی^۲ : در بخش‌هایی از شهرستان شیروان و چرداول
- ۳- آبدانانی : در شهرستان‌های آبدانان ، دهلران و دره شهر
- ۴- بدره‌ای : در بخش بدره از شهرستان دره شهر
- ۵- ایلامی : در شهرستان‌های ایلام ، مهران و شیروان چرداول و برخی از طوایف ارکوازی

۳- آواها

آواهای کردی خزلی به دوگروه عمده همخوان و واکه تقسیم می‌شوند. انرژی لازم برای حرکت هوا هنگام تولید این آواها، از ناحیه شش‌ها تامین می‌شود و جهت حرکت جریان هوا، نیز، به سمت خارج از شش‌هاست؛ بنابراین، آواهای این گونه زبانی، همگی، ششی برونسو هستند.

۳-۱- تفاوت‌های آوایی کردی خزلی و فارسی رسمی معیار

۳-۱-۱- تفاوت‌های همخوانی

۳-۱-۱-۳- انفجاری‌های دندان‌ی - لثوی

۱- اکثر شرق شناسان ، لران را در جمله کردان به حساب آورده‌اند و این نظریه به ویژه از سوی نویسندگان کرد مقبول افتاده است (چراغی ، ۱۳۸۱ : صص ۱۷- ۱۸ ، گاهنامه ویرا)

۲- رجوع کنید به پالیزبان (۱۳۸۱: صص ۹-۱۶) ، جایگاه کردی ایلامی (و در اینجا کردی خزلی) در نمودار خانواده زبان‌های هند و اروپایی.

توصیفی مقابله‌ای از آواهای گویش خزلی .../۱۷

این گروه از همخوان‌ها در گونه معیار فارسی، دندانی نامیده شده‌اند (ثمره، ۱۳۸۰ : ۴۰ - ۴۴)
اما بر پایه بررسی جایگاه تولید در گونه کردی خزلی، دندانی - لثوی به نظر می‌رسند.

این طبقه همخوانی، به صورت کلی، آواهای ذیل را در بر می‌گیرد:

- همخوان ششی، برونسو، سخت، بیواک، انفجاری، دهانی، دندانی - لثوی: [t]

پاره گفتارهای نمونه:

t^hwy:læk^hi' «نشا»

k^hət^haw «کتاب»

dət^h «دختر»

- همخوان ششی، برونسو، نرم، واکنار، انفجاری، دهانی، دندانی - لثوی: [d]

پاره گفتارهای نمونه:

dæs «دست»

gərdæk^hã'n «گردو»

mər_d «فوت کرد»

۳-۱-۲- انفجاری های نرم کامی

در گونه معیار فارسی، هم انفجاری‌های نرم‌کامی و هم انفجاری‌های کامی در گفتار رخ می‌دهد اما در گونه کردی خزلی، تنها، آواهای انفجاری نرم‌کامی وجود دارند. این تفاوت، به خوبی در گفتار گویشوران کرد هنگام تکلم به گونه فارسی، قابل درک است.

انفجاری های نرم‌کامی، در کردی خزلی، عبارتند از:

- همخوان ششی، برونسو، سخت، بیواک، انفجاری، دهانی، نرم‌کامی: [k]

پاره گفتارهای نمونه:

k^{hw}urp^hæ «نوزاد»

si:k^hár «سیگار»

ʃæk^h «شک»

– همخوان ششی، برونسو، نرم، واکدار، انفجاری، دهانی، نرمکامی: [g]

پاره گفتارهای نمونه:

gæŋ	«بد»
gǰã:n+ε+gǰã:n+i'	«صمیمی»
bawǰg	«پدر»

۳-۱-۱-۳- انفجاری ملازی

در گونه زبانی معیار فارسی، انفجاری ملازی بیواک وجود ندارد اما در مقایسه، آوای انفجاری ملازی در کردی خزلی، بیواک است. گفتار گویشوران خزل، هنگام تکلم به فارسی، این تفاوت را به خوبی، نشان می‌دهد:

– همخوان ششی، برونسو، سخت، بیواک، انفجاری، دهانی، ملازی: [q]

پاره گفتارهای نمونه:

q ^h əsæ	«حرف»
tʃ ^h æq ^{hw} u'	«چاقو»
m ^w u:læq ^h	«واج آسمان»

۳-۱-۱-۴- خیشومی نرمکامی

آوای [ŋ] هم در فارسی معیار و هم در کردی خزلی وجود دارد با این تفاوت که در فارسی، تنها واج گونه‌ای از همخوان خیشومی لثوی است اما در کردی خزلی دو کارکرد متفاوت دارد:

۱- واجی مستقل است.

۲- واج گونه‌ای از خیشومی لثویست.

این تفاوت، با دقت در پاره گفتارهای زیر، از کردی خزلی، بیشتر آشکار می‌شود:

جفت کمینه	{ mǎŋ	«ماه»
	{ m+ǎ +ŋ	«می آیند.»

جفت کمینه	{ mōŋá mōlá	«گاو ماده» «ملاً»		
	hæsæŋ ¹ gəri's	«حسن گریه کرد.»		
۳-۱-۱-۵- لرزان لثوی افراشته				
		پاره گفتارهای نمونه:		
	ʃa:+r̄æŋ _o	«شاه رگ»	r̄as	«راست»
جفت کمینه	{ n ^w yŋ _o n ^w yŋ̄	«نور» «نفرین»	bə+r̄æs	«پرس.»
جفت کمینه	{ fəraǝ _o fə̄r̄æ	«زیاد، فراوان» «پرتاب»	r̄ ^w uǝ _o	«روز»
			dar _o	«درخت»
			p ^h ə̄r̄ _o	«پُر»

در گونه‌های کردی، از جمله گونه‌های هورامی و سنندجی^۱، بر خلاف فارسی معیار، علاوه بر آوای لرزان لثوی غیرافراشته، یک آوای لرزان لثوی افراشته وجود دارد. در کردی خزلی، نیز، وجود دو آوای لرزان لثوی افراشته و غیرافراشته، کاملاً محسوس است؛ با این حال، بین لرزان لثوی افراشته در کردی مناطق ایلام، به طور کلی، و کردی مناطقی مانند اورامانات تفاوت وجود دارد. به عقیده نگارنده، لرزان لثوی افراشته در کردی مناطق ایلام، و به طور خاص در کردی خزلی، با میزان افراستگی کمتری تلفظ می‌شود که به دنبال این کاهش در میزان افراستگی، بدنه زبان، اندکی، پیش آمده‌تر می‌شود و به عبارتی، ناحیه جلویی زبان، در ناحیه پیشین‌تری با لثه تماس پیدا می‌کند. در پاره گفتارهای نمونه ارائه شده نمونه‌هایی از لرزان لثوی افراشته و غیر افراشته آمده است که تفاوت آنها با دقت درجفت‌های کمینه بیشتر مشخص می‌شود (لرزان لثوی

۱- علت اشاره خاص نگارنده به این دو نمونه گویشی، مطالعه پژوهش‌های نقش‌بندی و محمدی (۱۳۸۲) در این زمینه است.

غیرافراشته را با نشانه [r] و لرزان لثوی افراشته را با نشانه [r̄] نمایش داده‌ایم. [r̄]، نیز، لرزان لثوی زنتی شده است).

زنتی شدگی در جایگاه بین دو واکه، تنها، مختص لرزان لثوی غیر افراشته است و در مورد لرزان لثوی افراشته صادق نیست و این یکی دیگر از موارد اختلاف این دو همخوان است. از جمله موارد قابل ذکر، اشاره به دو کارکرد متفاوت لرزان لثوی افراشته است:

۱- واجی مستقل که در تمام جایگاه‌ها می‌توان آن را مشاهده کرد.

۲- واج گونه‌ای از لرزان لثوی غیر افراشته در جایگاه آغازین^۱

نقش‌بندی (۱۳۷۵ : ۲۱۹ - ۲۲۰)، علاوه بر اشاره به کارکرد اول، با اقامه سه دلیل مورد دوم را، نیز، به اثبات می‌رساند که در مورد کردی خزلی، به درستی قابل تعمیم است:

الف - لرزان لثوی غیرافراشته، در جایگاه آغازین ظاهر نمی‌شود و بر اساس توزیع تکمیلی، لرزان لثوی افراشته جایگاه آن را اشغال می‌کند.

ب- معیارهای پذیرفتگی آوایی^۲ و طبیعی بودن واج‌شناختی^۳ چنین استدلالی را منطقی می‌شمارند.

پ - شواهد برون پیکره ای^۴ چنین ادعایی را ثابت می‌کند، بدین صورت که لرزان لثوی غیر افراشته در جایگاه آغازین پاره گفتارهای غیر خزلی (در این پژوهش)، هنگام ورود به حوزه واژگان خزلی، افراشته می‌شود که مواردی از آن در ذیل آمده است:

۱- منظور از جایگاه آغازین، جایگاه بعد از سکوت، بعد از مرز تکواژ و یا بعد از مرز کلمه است.

۲- پذیرفتگی آوایی: از دو مختصه در تناوب، آن موردی بازنمایی زیرین است که تبدیل شدن آن به دیگری در محیط پیرامون خود به لحاظ آواشناختی دارای منطقی باشد.

۳- طبیعی بودن واج‌شناختی: از دو مختصه در تناوب، آن موردی بازنمایی زیرین است که قاعده تبدیل شدن آن به دیگری در بین زبان‌های مطالعه شده از قواعد شناخته شده باشد.

۴- شواهد برون پیکره‌ای: به کاربرد زبان نزد اهل زبان اشاره دارد که برخی از آنها به قرار زیرند: الف- غلط‌های املائی ب- تغییر صورت کلمه‌های قرصی در زبان اول هنگام یادگیری زبان دوم، پ- تداخل عادات تلفظی زبان اول هنگام یادگیری زبان دوم، ت- مثل‌ها، اشعار محلی و بازی‌های زبانی، ث- تصحیح‌های افراطی

تلفظ در فارسی معیار	تلفظ در کردی خزلی	
rãm+e	řám+æ	«رام است»
rezé	řəzæ	«رژه»
resalé	řəsa:ɾæ	«رساله»
r ^w uzé	ř ^w u:ʒəg	«روزه»
rãmi~ŋ	řa:mi~ŋ	«رامین»

مجموعه مختصه‌های لرزان لثوی افزاشته به شرح زیر است :

- همخوان ششی، برونسو، نرم، واکدار، لرزان، دهانی، لثوی، نرمکامی شده: [ř]

سایر پاره گفتارهای نمونه :

řəz	«ردیف»
k ^h əřæ	«کوبیدن برنج دروشده»
řəř	«کهنه، مندرس»
ř ^w u ʒ	«روز»

۳-۱-۶- همخوان زنشی برگشتی

در مجموعه آواهای کردی خزلی، در مقایسه با گونه معیار فارسی که تنها دارای یک آوای لثوی کناری است، در تناظر با این آوا، دو آوای لثوی کناری و زنشی برگشتی وجود دارند که توزیع آنها نسبت به یکدیگر، به صورت یک توزیع کاملاً آزاد نیست، بدین معنا که به لحاظ توزیع، در مواردی با یکدیگر همپوشی دارند. به عنوان مثال، همخوان زنشی برگشتی، هیچگاه، در جایگاه آغازین ظاهر نمی‌شود. با این حال، با استناد به داده‌های متعدد، تردیدی وجود ندارد که توزیع این دو همخوان، در بسیاری از موارد، توزیعی آزاد است و گونه‌های مختلف آنها در جایگاه‌های

مختلف ظاهر می‌شوند که به عنوان شاهدهی بر این ادعا، جفت‌های کمینه و شبه کمینه ذیل ارائه می‌شوند:

g ^w wəɾ _o	«گر، شاخه ی نازک گیاه»	: g ^w wəɪ	«کُل»
k ^h æɾ _o	«راه باریک، شکاف»	: k ^h æɪ	«گوزن کوهی»
q ^{hw} əɾ _o	«پا»	: q ^{hw} wəɪ	«جوش(درموردمایعات)»
tʃ ^h əɪ	«دم کشیدگی دانه برنج(درزنجیره)»	: tʃ ^h əɾ _o	«چهل»
məɪá	«کلاغ»	: q ^h əɾá	«مَلَا»
k ^{hw} wəɪ	«کوتاه»	: k ^{hw} wəɾ _o	«کُند»

در بسیاری از گونه‌های کردی، به غیر از کردی کرمانشاهی، کردی استان ایلام و احتمالاً موارد دیگری که نگارنده از آنها بی‌اطلاع است، یک همخوان لثوی کناری افزوده نرمکامی شده وجود دارد که به نظر می‌رسد درست همان جایگاه‌های همخوان زنشی برگشتی را در کردی کرمانشاهی و کردی ایلام اشغال می‌کند که، البته، زمانی این نتیجه‌گیری قطعیت می‌یابد که داده‌های بیشتری از گونه‌های مختلف کردی، مورد بررسی و مقایسه قرار گیرند. این آوا، اغلب، با نشانه [ɬ] نمایش داده می‌شود.

۳-۱-۷- سایشی لبی - دندانی واکدار

تعداد محدودی از گویشوران خزل دهستان کارزان، در بسیاری از موارد، در جایگاه ناسوده لبی - نرمکامی (نرمکامی لبی‌شده)، سایشی لبی - دندانی را به کار می‌برند اما در مجموع، کاربرد این آوا در گونه زبانی کردی خزلی، در مقایسه با فارسی معیار، بسیار اندک است. پاره گفتارهای نمونه:

ʔævdəɪá	«عبدالله(اسم خاص، مذکر)»
hævdæ	«هفده»
ʔævq ^h aːn+iˊ	«افغانی»

۳-۱-۸- سایشی ملازی واکدار

توصیفی مقابله‌ای از آوای گویش خزلی .../۲۳

در کردی خزلی، یک همخوان سایشی ملازی واکدار، نیز، وجود دارد که بسامد وقوع آن نسبتاً محدود است. این آوا که در جایگاه آغازین و جایگاه پایانی پاره گفتار مشاهده نمی‌شود، دارای مشخصه‌های زیر است:

- همخوان ششی، برونسو، نرم، واکدار، سایشی، دهانی، ملازی: [ʃ]

پاره گفتارهای نمونه:

«منقل» mæʋæɾ

«عقد» ʔæɾd

«مغز» mæɾz

۳-۱-۱-۹- ناسوده سخت‌کامی افتاده

در کردی خزلی، در مقایسه با فارسی معیار که تنها دارای یک آوای ناسوده سخت‌کامی است، یک همخوان ناسوده سخت‌کامی افتاده وجود دارد که در چهارچوب نظام آوایی، دو کاربرد متفاوت دارد:

الف- به عنوان یک واج مستقل عمل می‌کند.

ب- واج گونه‌ای از آوای ناسوده سخت‌کامی است.

دقت در جفت‌های کمینه ارائه شده ذیل، این تمایز واج شناختی را، به وضوح، می‌نمایاند:

«بباید.» b+a+j_۰ : «ببایی.» b+a+j_۱

«شاهی(واحد پول قدیم)» ʃa+j_۰ : «شاهی(اسم نکره)» ʃa+j_۱

آوای ناسوده سخت‌کامی افتاده در جایگاه آغازین ظاهر نمی‌شود.

مجموعه مختصه‌های زایشی این آوا عبارتند از:

- همخوان ششی، برونسو، نرم، واکدار، ناسوده، دهانی، سخت‌کامی، افتاده: [j_۰]

پاره گفتارهای نمونه:

«باید» baj.æd

faj̄dǽ	«فایده»
haj̄.!	«آهای!»
m+a+j̄.	«می آید.»

۳-۱-۱۰- ناسوده نرمکامی

در گونه کردی خزلی دهستان کارزان، ناسوده نرمکامی [ʍ]، در مقایسه با فارسی معیار، از همخوان‌های منحصر به فرد است. این آوا، در جایگاه آغازین ظاهر نمی‌شود و جزء مجموعه واجگان نیست.

مجموعه مختصات این آوا عبارتند از:

- همخوان ششی، برونسو، نرم، واکدار، ناسوده، دهانی، نرمکامی: [ʍ]

پاره گفتارهای نمونه:

zə̄məʍǽ	«خانه زمستانی»
də̄raːnə+ʍǽ	«آن درب (معرفه)»
t ^{hw} y:řəʍ.	«بوته ی تمشک»
χartʃ ^h əʍ.	«قارچ»

۳-۱-۱۱- ناسوده لبی - نرمکامی (نرمکامی لبی شده)

این آوا در کردی خزلی، و به طور کلی در کردی ایلام، کاربرد بسیار گسترده دارد و در صورتی که واژه‌های قرضی فارسی به مجموعه واژگان این گونه زبانی راه یابند، سایشی لبی - دندانی واکدار در این پاره گفتارها به ناسوده لبی - نرمکامی تغییر می‌یابد و همان طور که پیشتر، نیز، اشاره شد، در گونه خزلی دهستان کارزان، به استثنای گونه زبانی تعداد اندکی از گویشوران خزل، تعداد موارد کاربرد سایشی لبی - دندانی واکدار، در مقایسه با ناسوده نرمکامی لبی شده، بسیار محدود است.

آوای ناسوده لبی - نرمکامی مختصه‌های زیر را داراست:

- همخوان ششی، برونسو، نرم، واکدار، ناسوده، دهانی، نرمکامی، گرد: [w]

پاره گفتارهای نمونه:

wæɾ.ŋ.	«برگ»
ga:wán	«گاوچران»
k ^h aw	«کبک، رنگ آبی»

۳-۱-۱۲- ناسوده لبی - سخت‌کامی (سخت‌کامی لبی شده)

ناسوده سخت کامی لبی شده در کردی خزلی دهستان کارزان، در تقابل با فارسی معیار، آوایی خاص محسوب می‌شود. این آوا در جایگاه آغازین پاره گفتار نمی‌آید و مشخصه‌های کلی آن، از این قرارند:

- همخوان ششی، برونسو، نرم، واک دار، ناسوده، دهانی، سخت کامی، گرد: [ɥ]

پاره گفتارهای نمونه:

h ^w ɥ.æ	«یوغ»
t ^h ɥ	«نوعی درخت»

۳-۱-۱۳- سایشی ملازی لبی شده

بر اساس نظر عده‌ای از زبان‌شناسان، سایشی ملازی لبی‌شده آوایی بجای مانده از گونه‌های قدیمی‌تر زبانی است. این آوا در پایان واژه‌های خزلی نمی‌آید، در گونه زبانی فارسی، نیز وجود ندارد و دارای مختصه‌های زیر است:

- همخوان ششی، برونسو، سخت، بیواک، سایشی، دهانی، ملازی، گرد: [χ^w]

پاره گفتارهای نمونه :

χ ^w war	«پائین»
χ ^w wæɾ	«آفتاب»
mæ+χ ^w wás	«می خواست.»

۳-۱-۲- تفاوت های واکه ای

۳-۱-۲-۱- واکه [y]

مختصات آوایی: پیشین، افراشته، گرد
این آوا در گونه زبانی فارسی معیار وجود ندارد.

پاره گفتارهای نمونه:

$n^w y_{\text{r}}$	«نور»
$l^w y_{\text{t}}^h$	«بینی»
$m^w y$	«مو»
$q^{hw} y$	«زاع»

۳-۱-۲-۲-واکه ی [ø]

مختصات آوایی: پیشین، نیمه افراشته، گرد
این آوا، در مقایسه با گونه فارسی معیار، از آواهای منحصر به فرد کردی خزلی است اما در گونه های ترکی، نیز، مشاهده می شود.

پاره گفتارهای نمونه:

$s^w ø:r_{\text{r}}$	«سرخ»
$t^{hw} ø:m_{\text{r}}$	«بذر»

۳-۱-۲-۳-واکه [ɛ]

مختصات آوایی: پیشین، نیمه افتاده، گسترده
این آوا، نیز، در گونه زبانی فارسی معیار وجود ندارد. هنگام تولید آن، ارتفاع زبان در مقایسه با نحوه تولید واکه پیشین نیمه افراشته [e] بیشتر است؛ به عبارت دیگر، فاصله زبان از سقف دهان میزان بیشتری است.

پاره گفتارهای نمونه:

$mɛ:w_{\text{r}}$	«درخت مو»
$χɛ:r_{\text{r}}$	«خیر، نیکویی»
$?ɛ:d_{\text{r}}$	«عید»

k^he:wā:n^wú

«کدبانو»

ma:ɾ+ ɛ́

«خانه اش»

۳-۱-۲-۴-واکه [ə]

مختصات آوایی: مرکزی، نیمه افراشته، گسترده، کوتاه
واکه شوا، در مقایسه با گونه زبانی فارسی معیار، مختص گونه کردی خزلی و نیز، سایر گونه-های محلی، از جمله کل زبان کردی است.

نگارنده معتقد است دو آوای مرکزی [ə] و [ə̃]، در کردی خزلی، واج‌گونه‌های واکه نیمه افراشته پیشین هستند و به عبارتی، با آن در توزیع تکمیلی قرار دارند که برای اثبات این ادعا می‌توانیم از شواهد برون پیکره‌ای کمک بگیریم.

هنگامی که کلمات دارای واکه نیمه افراشته پیشین از گونه‌های دیگر زبانی، از جمله فارسی معیار، وارد کردی خزلی می‌شود، به شرط مهیا بودن شرایط، فرایند مرکزی‌شدگی صورت می‌گیرد. دقت در برخی از این موارد، براین ادعا صحه می‌گذارد:

تلفظ در فارسی معیار	تلفظ در کردی خزلی	
ferɾ	fəɾɾ	«فرز»
Gest ^h	q ^h əst ^h	«قسط»
sə̃ŋ	sə̃ŋ	«سن»
dʒə̃ŋ	dʒə̃ŋ	«جن»
medád	mədád	«مداد»

۳-۱-۲-۵-تغییر شکل واکه نیمه افراشته پسین [o]

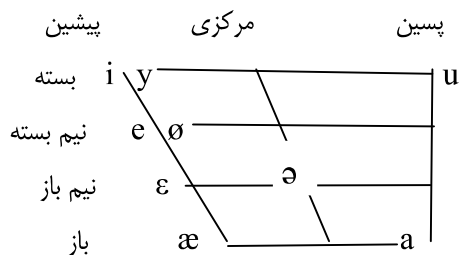
در گونه زبانی مذکور، واکه پسین نیمه افراشته [o] وجود ندارد. در صورتی که کلمه‌ای قرضی که دارای این آواست به حوزه واژگان این گونه زبانی راه یابد، تحت تاثیر نظام آوایی دچار تغییر می‌شود. این تغییرات در مجموع منظم است و حاصل آن، تبدیل / o / زیر ساختی به [ə] یا

خوشه [wθ] است؛ با این حال، در مواردی، همپوشی بین این دو نوع تغییر و یا نقض آنها مشاهده می‌شود.

پاره گفتارهای نمونه

تلفظ در فارسی معیار	تلفظ در کردی خزلی	
g ^w ol	g ^w wəɾ	«گُل»
χ ^w odá	χ ^w wəɖá	«خُدَا»
k ^{hw} orɖ	k ^{hw} wəɾɖ	«كُرد»
G ^w odræ ^h t ^h	q ^{hw} wəɖræ ^h t ^h	«قدرت»
p ^{wh} orɔ	p ^h əɾ	«پُر، مملو»
b ^w orɖzɔ	bəɾɖzɔ	«برج»
t ^{wh} orɟ	t ^h əɾɟ	«تُرش»
d ^w oɟmæ [~] ŋ	dəɟmə [~] ŋ	«دشمن»
ʔ ^w õmi ^ˈ d	ʔə [~] mé: ^ˈ d	«امید (اسم خاص، مذکر)»
m ^w ollá	mələ	«مَلَا»
ř ^w obɔ	řəbɔ	«رُب»
f ^w oz ^w úl	fəz ^w úl	«فُضول»
s ^w ofrɛ	səfræ	«سُفره»
z ^w oɟf	zəɟf	«زُلف»
ʃ ^w ot ^{wh} orɔ	ʃət ^h əɾ	«شُتر»
h ^w osej ^ˈ ŋ	həsɛ: ^ˈ ŋ	«حُسین (اسم خاص، مذکر)»
l ^w ong	lɔŋ	«لُنْگ»
m ^w oG ^w ól	məɸ ^w wól	«مُعول»

نمودار واکه ها



سایر نشانه‌ها

tʃ	انفجاری - سایشی لثوی - کامی بیواک
dʒ	انفجاری - سایشی لثوی - کامی واگذار
ĩ	لرزان لثوی نرمکامی شده
χ ^w	سایشی ملازی لبی شده
w	ناسوده لبی - نرمکامی واگذار
ɸ	ناسوده لبی - سخت کامی واگذار
j.	ناسوده کامی افتاده

۵- نتیجه

کردی خزلی دهستان کارزان دارای آواهایی است که در فارسی رسمی معیار وجود ندارد و در مقابل فاقد واکه پسین نیمه افراشته است. این تفاوت‌های آوایی، اغلب، یادگیری تلفظ صحیح پاره گفتارهای فارسی را برای گویشور کردزبان دشوار می‌سازد. تحلیل خطاهای گفتاری گویشوران هنگام تکلم به فارسی بر این ادعا صحت می‌گذارد.

منابع

الف- فارسی:

- افشار سیستانی، ایرج. ۱۳۷۲. ایلام و تمدن دیرینه آن. انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- پالیزبان، کرم الله، ۱۳۸۱. گویش کردی ایلام و نظام آوایی آن (از دیدگاه مکتب زبانشناسی ساختگرا). گاهنامه ویرا. ناشر: دانشگاه ایلام. شماره اول و دوم. صص ۹-۱۶.
- پرمون، یدالله. ۱۳۷۵. نظام آوایی گونه کرمانی از دیدگاه واجشناسی زایشی و واجشناسی جزء مستقل. پایان نامه کارشناسی ارشد رشته زبانشناسی همگانی، دانشکده ادبیات فارسی و زبان های خارجی، دانشکده علامه طباطبایی.
- پرمون، یدالله. ۱۳۸۰. نظام آوایی فارسی محاوره‌ای معیار امروز: رویکردی زایشی، وزنی (عروضی)، و واژگانی. رساله دکتری رشته زبانشناسی همگانی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس.
- ثمره، یدالله. ۱۳۸۰. آواشناسی زبان فارسی: آواها و ساخت آوایی هجا. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- چراغی، دیانوش. ۱۳۸۱. آیا لرها کرد هستند؟. گاهنامه ویرا. شماره اول و دوم. صص ۱۷-۱۸.
- حق شناس، علی محمد. ۱۳۸۰. آواشناسی (فونتیک). چاپ هفتم. تهران: نشر آگاه.
- سارایی، ظاهر. ۱۳۷۹. شاعر قله های مه آلود. انتشارات گویه.
- سامارین، ویلیام. ۱۹۶۷. زبانشناسی عملی: راهنمای بررسی گویش‌ها. ترجمه لطیف عطاری. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- شیری، علی اکبر. ۱۳۸۰. مقدمه‌ای بر توصیف آواهای گویش ایلامی. فصلنامه فرهنگ ایلام. ناشر: اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان ایلام. شماره ۷ و ۸. صص ۱۰۷-۱۱۱.
- محمدی، ذوالفقار. ۱۳۷۵. فاتحان میمک: شرح حماسه خونین میمک، تاریخچه و ویژگی‌های قومی و فرهنگی ایل خزل. نشر مؤلف.

- محمدی، شعله. ۱۳۸۲. **توصیف و تحلیل نظام آوایی زبان کردی (گوش سنندجی) بر اساس واجشناسی زایشی و واجشناسی جزء مستقل**. پایان نامه کارشناسی ارشد رشته زبانشناسی همگانی، دانشکده ادبیات فارسی و زبان‌های خارجی، دانشگاه علامه طباطبائی.
- مشکوة الدینی، مهدی. ۱۳۷۴. **ساخت آوایی زبان**. مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.
- مک موان، ام. کی. سی. ۱۳۷۳. **آواشناسی**. ترجمه محمد فائض. محمد فائض (ویراستار). آواشناسی و واجشناسی. نشر روایت. صص ۱ - ۵۲.
- نقش‌بندی، شهرام. ۱۳۷۵. **نظام آوایی گوش هورامی (گونه پاوه) از دیدگاه واجشناسی زایشی و جزء مستقل**. پایان نامه کارشناسی ارشد رشته زبانشناسی همگانی، دانشکده ادبیات فارسی و زبان‌های خارجی، دانشگاه علامه طباطبائی.

ب- انگلیسی:

- _ Akmajian, Adrian. Demers, Richard A. Farmer, Ann K. Harnish, Robert M 1977. **linguistics: An Introduction to language and communication**. Massachusetts Institute of Technology.
- _ Carr, Philip. 1993. **Phonology**. The Macmillan Press.
- _ Katamba, Francis. 1993. **Morphology**. The Macmillan Press.
- _ Kenstowicz, Michael and Charles Kisseberth. 1979. **Generative Phonology Description and Theory**. New York: Academic Press Inc.
- _ Kenstowicz, Michael. 1994. **Phonology in Generative Grammar**. Cambridge MA & Oxford UK : Blackwell Pub.
- _ Keshavarz, Mohammad Hossein. 1997. **A Practical Course of English: Phonetics and Phonology**. Tehran: Samt.
- _ Yule, G eorge. 1985. **The Study of Language**. Cambridge University Press.